

بیلانی از یک سال جنگ امپریالیستی و حقانیت مواضع انترناسیونالیستها



صدای انترناسیونالیستی

یکسال از جنگ امپریالیستی روسیه - اوکراین (ناتو) میگذرد. ضروری است بیلانی از وظایف انقلابیون و انترناسیونالیستها در مواجهه با جنگ امپریالیستی، توازن قوای قدرتهای امپریالیستی و از همه مهمتر موقعیت طبقه کارگر بدنبال جنگ امپریالیستی داشته باشیم تا بتوانیم با نگاهی به سالی که گذشت، افق و دورنمای انترناسیونالیستی را ترسیم کنیم.

بدنبال جنگ امپریالیستی گروه‌هایی از کمونیست‌چپ بین‌المللی اعلام کردند که کارگران وطن ندارند که بدافع از آن برخیزند و خون هیچ کارگری نباید در دفاع از وطن سرمایه‌داران به زمین ریخته شود. مبارزهٔ بردگان مزدی علیه استثمار و توحش سرمایه‌داری جهانی است. آنها اعلام کردند که به سنت کنفرانس زیمروالد وفادار هستند، سنت سیاسی که برای انترناسیونالیسم علیه جنگ امپریالیستی مبارزه کرده است، همچنان به مبارزه ادامه می‌دهد و بیانیه مشترکی صادر کردند. بیانیه مشترک تاکید کرده بود اگر چه شرایط امروز با شرایط سال ۱۹۱۵ متفاوت است اما اصول اساسی انترناسیونالیسم در برابر جنگ امپریالیستی که در کنفرانس زیمروالد اتخاذ گردیده، امروزه نیز معتبر هستند:

عدم حمایت از هیچ یک از اردوگاه‌های امپریالیستی؛ رد تمام توهّمات صلح‌طلبانه؛ و به رسمیت شناختن این که فقط طبقه کارگر و

مبارزه انقلابی آن می تواند به سیستم مبتنی بر استثمار نیروی کار و ایجاد دائمی جنگ امپریالیستی پایان دهد.

بر خلاف عوامفریبی کشورهای دموکراتیک که با بلاغت دموکراتیک اعلام کردند پوتین دیکتاتور با حمله به اوکراین به دموکراسی حمله کرده است و آنها از دموکراسی در برابر وحشیگری پوتین دفاع میکنند، باید زمینه‌های مادی وقوع این جنگ امپریالیستی را در معرض دید عموم قرار داد. در عصر انحطاط سرمایه‌داری گریز از جنگ اجتناب ناپذیر است و سالی نبوده که در جایی از این کره‌خاکی جنگی نبوده باشد. اگر دروغ‌های دموکراتها را کنار بگذاریم، هدف آمریکا و ناتو محاصره روسیه از طریق ادغام کشورهای بلوک شرق سابق در ناتو و یا به راه انداختن «انقلابات رنگی» در کشورهایی که فعلا عضو ناتو نبودند، بوده است. از سوی دیگر پس از سقوط شوروی مدت زمانی طول کشید تا روسیه سرانجام مجدداً بعنوان مدعی قدرت جهانی، جاه طلبی‌های امپریالیستی خود را مطرح کند. خواست روسیه نپیوستن اوکراین و گرجستان به ناتو، خروج تجهیزات نظامی ناتو از این کشورها و شکست محاصره ناتو بوده است تا در روند آن روسیه بتواند حوزه نفوذ خود را گسترش دهد.

بدنبال سقوط جهان دو قطبی، آمریکا دیگر قادر نبود همچون دوران جنگ سرد، هژمونی خود را اعمال کند. لذا آمریکا در راستای حفظ هژمونی خود در نظم نوین

جهانی و تضعیف رقبای خود تلاش کرد با به راه انداختن جنگها البته با الفاظ بشر دوستانه دیگر قدرتهای امپریالیستی را پشت سر خود ردیف کند.

اما در سالهای اخیر کشورهایی که بلوک غرب سابق را تشکیل می دادند بیشتر از سابق دچار تشتت شده بودند. اگر چه ناتو پس از پایان جنگ سرد گسترش پیدا کرده بود، فرانسه و تعدادی از کشورهای اروپای شرقی به آن پیوسته بودند، اما اختلافات درونی کشورهای عضو ناتو بیشتر شده بود. مکرون رئیس جمهور فرانسه آشکارا اعلام کرده بود که ناتو دچار مرگ مغزی شده است. [۱] آمریکا سعی می کرد حضور خود را در ناتو کم رنگ کند. جان بولتون مشاور سابق امنیت ملی ترامپ اظهار داشته بود، اگر ترامپ پیروز میشد، آمریکا از ناتو خارج می شد. [۲] ایتالیا یکی از کشورهای مهم اروپا، عضو ناتو که سلاح اتمی آمریکا در آنجا مستقر است، به جاده ابریشم جدید علاقمندی نشان داده بود. آمریکا ترکیه را که عضو ناتو و سلاح اتمی آمریکا در آن مستقر است را تحریم کرده بود. تنش بین اعضای ناتو، ترکیه و یونان بر سر اکتشاف و حفاری های نفتی چنان بالا گرفته بود که فرانسه تحت عنوان «کنترل وضعیت منطقه» ناو جنگی به دریای مدیترانه ارسال کرد. بریتانیا از دیگر کشورهای اروپایی فاصله گرفته بود. از سوی دیگر چین به رقیب اقتصادی برای آمریکا تبدیل شده بود و استراتژی مهار چین از مدتها قبل و از زمان ترامپ شروع شده بود و بایدن آن سیاست را ادامه می داد. بررسی تحولات پس از جنگ اوکراین

نشان می‌دهد که در شرایط جدید، آمریکا با به صف کردن ناتو و دیگر کشورها پشت سر خود، تلاش کرد در جلوی پیشروی و جاه‌طلبی‌های امپریالیستی چین تحت عنوان «جاده ابریشم جدید» مشکلات جدی ایجاد کند.

حوادث یک سال اخیر همچنین نشان می‌دهد که لشکرکشی روسیه در کوتاه مدت به نفع آمریکا بوده و آمریکا توانسته است هژمونی خود را فعلا تثبیت کند. روابط تجاری اتحادیه اروپا با روسیه قطع شد و اتحادیه اروپا در رابطه با انرژی تا حدی وابسته به آمریکا شد. ظاهراً روسیه خروج تحقیرآمیز آمریکا از افغانستان را دستکم ارزیابی کرده بود و تصور کرده بود با توجه به اختلافات غربی‌ها آمریکا نمی‌تواند یک مقاومت را در مقابل روسیه سازماندهی کند و روسیه نه تنها می‌تواند از اختلافات موجود استفاده کند بلکه به آن اختلافات دامن نیز بزند.

بدنبال جنگ، ناتو بشدت حضور خود را در اروپای شرقی افزایش داد و ۲ کشور جدید یعنی فنلاند و سوئد در حال پیوستن به ناتو هستند. نکته حائز اهمیت این است، سوئد کشوری است که در جریان ۲ جنگ جهانی «بی طرف» بوده و در طول ۲۰۰ سال گذشته وارد هیچ جنگی نشده است و حالا وارد پیمان نظامی ناتو می‌شود این مسئله بیانگر آرایش جدید قدرتهای امپریالیستی در شرایط جدید جهانی است.

اگر چه آمریکا کشورهای عضو ناتو، ژاپن، استرالیا و... را پشت سر خود به صف کرده است و ظاهراً جبههٔ متحدی را تشکیل داده اند، اما جبهه آهنین ناتو از همان اول ترک‌هایی برداشته است. دو عضو کلیدی ناتو یعنی فرانسه و آلمان واضح‌تر و علنی‌تر بدنبال منافع امپریالیستی خود هستند و این مسئله اتحاد آهنین جبهه ناتو را در دراز مدت تهدید می‌کند. نشریه پلیتیکو که یک نشریه آمریکایی است اخیراً مقاله‌ای منتشر کرده است تحت عنوان «برلین به واشنگتن اعتماد ندارد» [۳] و در آن به اختلافات درونی ناتو در رابطه با ارسال تانک‌ها می‌پردازد. قطعاً فرانسه تنبیه اخیر فرانسه توسط آمریکا و بریتانیا در جریان فسخ قرارداد زیر دریایی با استرالیا را فراموش نکرده است. اخلال ترکیه در پذیرش دو عضو جدید ناتو (فنلاند و سوئد) ضعف جبهه متحد را نشان می‌دهد. ترکیه یکی از اعضای ناتو است اما اخیراً ابراهیم کالین سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه به عدم حمایت ترکیه از تحریم‌های غرب علیه روسیه اشاره کرد و گفت:

"[ترکیه] در تحریم‌های غرب علیه روسیه شرکت نخواهد کرد و اقدامات غرب ناکارآمد بوده و مشارکت آنکارا در این تحریم‌ها بیش از آنکه به مسکو آسیب برساند به اقتصاد ترکیه آسیب می‌زند... اقدامات غرب علیه مسکو تاکنون مؤثر نبوده است، زیرا موضع روسیه را تغییر نداده و به او کرآینی‌ها فرصتی برای دستیابی به یک پیروزی نظامی قاطع نداده است." [۴]

اما مسئله مهم دیگر این است در حالیکه روسیه از طریق جنگ اوکراین به دنبال گسترش مناطق نفوذ خود است هم زمان ترکیه در حال گسترش نفوذ خود در آسیای میانه است که به نوعی حیاط خلوت روسیه قلمداد میشود. ترکیه با کمک آذربایجان میخواهد برای نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان مسیر جایگزین برای دور زدن روسیه تدارک بیند. قطعاً این تداخل منافع امپریالیستی به نوعی خود را نشان خواهد داد.

یکی دیگر از کشورهای عضو ناتو و همچنین عضو اتحادیه اروپا یعنی مجارستان سال گذشته مخالفت خود را با تحریم های اتحادیه اروپا علیه روسیه ابراز داشته بود، پتر سيجارتو وزير امور خارجه مجارستان چنین گفته بود:

"ما صلح می خواهیم، نه بسته [تحریم] دیگری. او ما همسایه مستقیم اوکراین هستیم. تاثیر جنگ بر ما فوری و شدید است." [۵]

یک روز پس از اظهارات وزیر امور خارجه مجارستان، اتحادیه اروپا در صدد تنبیه مجارستان شد. لذا رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا نگرانی های خود را از حاکمیت قانون در مجارستان اعلام کرد و توصیه کرد پرداخت ها به مجارستان در قالب صندوق بازیابی پاندامی اتحادیه اروپا و همچنین در قالب صندوق های همبستگی اتحادیه اروپا متوقف شود. [۶]

اخیرا و مجددا پیترو سیجارتو، وزیر امور خارجه مجارستان اظهار داشت که مجارستان از هیچ تحریمی از سوی اتحادیه اروپا که همکاری هسته‌ای مجارستان و روسیه را محدود کند، حمایت نخواهد کرد. او در رابطه با بسته تحریمی جدیدی که اتحادیه اروپا علیه روسیه برنامه ریزی کرده است، اظهار داشت:

"ما از هیچ اقدامی، هر چند کوچک، که همکاری هسته‌ای مجارستان و روسیه را محدود کند، حمایت نخواهیم کرد... تحریم‌ها اتحادیه اروپا را به بن بست رسانده است. تحریم‌ها به ما اروپایی‌ها بیشتر از روس‌ها آسیب می‌رساند. همه می‌توانند این را ببینند. این یک بیانیه سیاسی نیست، یک واقعیت است." [۷]

تاریخ کشورهای عربی حوزه خلیج متحد غرب و دنباله رو آمریکا بودند. اما اخیرا برخلاف تمایل آمریکا اوپک پلاس تصمیم قبلی خود را در مورد عدم افزایش سطح تولید نفت خام تمدید کرد، تصمیمی که عملا جواب رد به بایدن بود که به خاورمیانه سفر کرده بود. این تصمیم اوپک پلاس باعث نارضایتی بیشتر آمریکا شد که آن را به نوعی همسویی با روسیه در جنگ اوکراین یاد کرد. چین که به رقیب اقتصادی آمریکا تبدیل شده است از تنش روابط آمریکا با کشورهای حوزه خلیج فارس بخصوص عربستان استفاده کرده و خواهان افزایش نفوذ در خاور میانه است.

در حالیکه مناسبات عربستان-آمریکا بخصوص در رابطه با مسئله امنیت انرژی متشنج است، شی جین‌پینگ در ۷ دسامبر دیدار چند روزه‌ای از عربستان داشت که در چندین نشست مختلف شرکت کرد از جمله نشست «اجلاس سران کشورهای عربی و چین». شی جین‌پینگ پیش از سفر خود برای آماده‌سازی سفر و کسب دستاوردهای لازم، مقاله‌ای را در روزنامه‌الریاض عربستان منتشر کرد و در آن مقاله به نگاه استراتژیک چین و اینکه روابط چین و کشورهای عربی به ۲۰۰۰ سال قبل برمی‌گردد و به تمدن‌های چینی و عربی اشاره کرد و مشخصاً تأکید کرد جاده ابریشم تبادل تمدن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند.

در جریان این دیدار ده‌ها تفاهم‌نامه و موافقت‌نامه بین طرفین امضاء شد که مهمترین آن سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ پادشاهی سعودی با طرح کمربندی و جاده چین (جاده ابریشم جدید) است. نکته حائز اهمیت این است که در سال ۲۰۲۲ عربستان بیشترین جذب سرمایه‌گذاری چینی در پروژه جاده ابریشم جدید را در جهان داشته است. در همان سال تجارت چین و عربستان رشدی حدود ۳۰ درصد داشته و چندین برابر تجارت چین با ایران است، این در حالی بود که رسانه‌های ایران "رویگردانی چینی‌ها از سرمایه‌گذاری در ایران" را گزارش می‌کردند. [۸]

اختلافات بدنبال جنگ امپریالیستی او کراین بخاطر منافع امپریالیستی طرفین حتی به آمریکای لاتین نیز کشیده شد. بدنبال جنگ او کراین، آرژانتین همواره از تحریم‌ها علیه روسیه ناراضی بوده و عنوان کرده که این تحریم‌ها کمکی به حل بحران نخواهند کرد و در عوض به اقتصاد آرژانتین تاثیر خواهد داشت و به خاطر تحریم‌ها، حجم تجارت بین روسیه و آرژانتین ۳۰ درصد کاهش داشته است.

در جریان وقوع جنگ امپریالیستی اعلام کردیم، اگر چه روسیه، چین و ایران در مخالفت با آمریکا نوعی همگرایی پیدا کرده‌اند، اما هر کدام اینها بدنبال منافع امپریالیستی خود هستند که گاهی در تضاد با منافع همدیگر قرار می‌گیرد. بر خلاف تصورها که گویا چین ایران را متحد استراتژیک خود قلمداد می‌کند، بدنبال سفر رئیس جمهور چین به عربستان و بیانیه پایانی نشست اجلاس مشترک سران چین و شش امیرنشین حوزه خلیج فارس در پایتخت عربستان همه را دچار حیرت کرد و حقانیت مواضع انترناسیونالیستها را نشان داد که هر یک از گانگسترها بدنبال منافع امپریالیستی خود هستند. بیانیه از «پرونده هسته‌ای، موشک‌های بالستیک، پهپادهای نظامی و حمایت از گروه‌های تروریستی» ایران به عنوان مشکلات کشورهای حوزه خلیج در روابط با ایران یاد کرده بود. بیانیه از جمهوری اسلامی خواسته بود که از «مداخله در امور داخلی کشورها» خودداری کند، به «اصول حسن همجواری» احترام بگذارد، «رژیم منع اشاعه» تسلیحات هسته‌ای را رعایت کرده و با آژانس بین‌المللی

انرژی اتمی همکاری کند. رئیس جمهور چین همچنین خواستار حل و فصل اختلافات ایران با امارات متحده عربی بر سر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک شد. این آخری به عبارت بهتر حتی تمامیت ارضی ایران را زیر سوال برده بود.

در حالیکه عربستان رهبری یک ائتلاف نظامی با حمایت غربی‌ها را در جنگ با حوثی‌های مورد حمایت ایران در دست دارد، بیانیه چین-عربستان تاکید دارد که حوثی‌ها باید به آتش بس متعهد باشند و با سازمان ملل در راه برقراری صلح همکاری کنند.

اگر چه روسیه با ایران روابط نزدیک دارد و ایران اخیرا با ارسال پهپاد به روسیه عملا به روسیه در جنگ کمک کرده است اما همین تداخل منافع امپریالیستی در رابطه با روسیه نیز به وضوح آشکار است. ایران به خاطر تحریم‌های کمر شکن قادر به فروش نفت خود نبود و چین یکی از مشتریان نفتی ایران بود که نفت ایران را با تخفیف ویژه می‌خرید، اما بدنبال تحریم روسیه، فروش نفت روسیه به چین با تخفیف ویژه فروش نفت ایران را تحت الشعاع خود قرار داده و در شرایط بد اقتصادی ایران، درآمدهای ایران را محدودتر کرده است. روسیه در راستای منافع امپریالیستی خود و حفظ نوعی رابطه با آذربایجان اخیرا ۵ نفر از شهروندان جمهوری آذربایجان

منجمله یوسف اف که بدنبال تشکیل یک گروه مذهبی مرتبط با سپاه قدس با نام «وحدت مسلمانان آذربایجان» بودند را در روسیه دستگیر و در ۳۰ آذر ۱۴۰۱ تحویل جمهوری آذربایجان داد.[۹] با توجه به نفوذ اسرائیل در آذربایجان این مسئله ضربه سختی به ایران بود.

اسرائیل با چراغ سبز آمریکا بارها و بارها حملات گسترده هوایی و موشکی علیه مواضع ایرانیان در سوریه انجام داده است و گانگسترهای ایرانی فقط سکوت می کنند و تحقیر می شوند. آگاهی از حملات اسرائیل به مواضع ایرانیان در سوریه و یا خود مواضع سوریه و عدم تلاش روسیه برای جلوگیری از این حملات، بیانگر آن است که روسیه منافع امپریالیستی خود را ترجیح می دهد، نوعی توازن و تعادل را در روابط خود با ایران و اسرائیل حفظ کرده است.

اتحادیه اروپا در تلاش است از شرایط پیش آمده، درگیر شدن روسیه در جنگ اوکراین استفاده کرده و نفوذ خود را در آسیای میانه گسترش دهد. در این زمینه اتحادیه اروپا با حمایت آمریکا یک گروه صد نفره برای نظارت بر مرزهای ارمنستان به مدت ۲ سال ارسال کرده است و روسیه اتحادیه اروپا را متهم کرده است که به دنبال دامن زدن به «تقابل ژئوپلیتیکی» در منطقه و به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه است.[۱۰]

اگر چه نوعی هم سوئی بین روسیه و چین وجود دارد و برخی از اقدامات نظامی روسیه از حمایت ضمنی چین برخوردار است اما نباید فراموش کرد که هر یک از آنها بدنبال منافع امپریالیستی خود هستند و گاهی منافع امپریالیستی شان در تضاد با هم قرار می گیرد. در چنین زمینه‌ائی است که فایننشال تایمز گزارش می دهد بدنبال اعمال تحریم‌های غرب در پی جنگ اوکراین سرمایه‌گذاری‌های جدید چین در بخش روسی راه ابریشم جدید به صفر رسیده است.[۱۱]

چین در راستای منافع امپریالیستی خود و در راستای نوعی توازن قوا در صفحه شطرنج امپریالیستی، اخیراً رئیس‌جمهور ایران را به چین دعوت کرد. در ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ برای انجام دیدار ۳ روزه رئیسی وارد چین شد. قبلاً مقامات ایران گفته بودند که رئیسی برای عملیاتی کردن قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین به چین سفر میکند، اما بعداً اعلام شد که در این دیدار ۲۰ سند همکاری بین طرفین امضاء شد. روزنامه‌های ایران سفر رئیسی پیش از عذرخواهی چین را زیر سوال بردند و نوشتند:

"چرا رئیس‌جمهوری اسلامی ایران قبل از آنکه رئیس‌جمهور چین بابت موضعگیری ضدتمامیت ارضی ایران در سفر آذرماه خود به عربستان عذرخواهی کند یا آن را تصحیح نماید، به پکن سفر کرد؟" [۱۲]

در دیدار روسای جمهور ایران و چین، شی جین‌پینگ به موارد مطرح شده در بیانیه پایانی نشست اجلاس مشترک سران چین و شش امیرنشین حوزه خلیج اشاره نمی‌کند و تنها به حاکمیت ملی ایران تاکید می‌کند و چنین می‌گوید:

" چین از حاکمیت ملی ایران و مقاومت در برابر یکجانبه‌گرایی و زورگویی حمایت می‌کند و با دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی و تضعیف امنیت و ثبات ایران مخالف است." [۱۳]

چین که اکنون به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است، پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۳۰ با پشت سر گذاشتن آمریکا به بزرگترین اقتصاد دنیا تبدیل شود. مادامیکه رشد اقتصادی چین ناچیز بود، کشورهای غربی و در راس آن آمریکا از رشد اقتصادی چین حمایت می‌کردند. اما زمانیکه چین در جایگاه دومین اقتصاد جهانی ظاهر شد، تنش‌ها شکل جدی‌بخود گرفت. صعود چین به عنوان یک قدرت اقتصادی رابطه مستقیمی دارد با افول آمریکا که مرکز بحران سرمایه داری جهانی است. الان چین برای آمریکا به یک چالش جدی تبدیل شده است.

واقعیت انکار ناپذیر این است که تنش‌های امروزی تمرینی برای تنش‌های امپریالیستی آینده است. رویارویی‌های اصلی بین آمریکا و چین خواهد بود. آمریکا بدنبال مهار دشمن استراتژیک خود یعنی چین است. استراتژی مهار چین از مدت‌ها

قبل و از زمان ترامپ شروع شده است و بایدن آن سیاست را ادامه می‌دهد و می‌خواهد جلوی پیشروی و جاه طلبی های امپریالیستی چین تحت عنوان «جاده ابریشم جدید» مشکلات جدی ایجاد کند.

اگر قبلا تسلط بر منابع نفتی میتوانست ابزاری در راستای اعمال هژمونی باشد الان نیم‌رسانه‌ها یا چیپ‌ها می‌خواهند جای نفت را بگیرند. کسی که این صنعت را در دست داشته باشد، قدرت اقتصادی را در دست دارد. آمریکا منشاء اصلی این تکنولوژی است. چین می‌خواهد فن‌آوری تولید نیم‌رسانه‌های مدرن (در اندازه نانومتر) را داشته باشد و آمریکا می‌خواهد دست چین را از این چرخه کوتاه کند. [۱۴] آمریکا فروش و یا صادرات فناوری تولید نیم‌رسانه از جمله نیروی متخصص را ممنوع کرده است. نیم‌رسانه‌های مدرن در آمریکا طراحی و در تایوان، کره جنوبی و ژاپن تولید می‌شوند ولی در چین مونتاژ میشوند. بیشتر نیم‌رسانه‌های مدرن در حال حاضر در تایوان تولید میشود و چین به تنهایی خریدار بیش از ۵۰ درصد نیم‌رسانه‌های تولیدی جهان است. دسترسی به نیم‌رسانه‌های مدرن برای رشد اقتصادی چین نه تنها ضروری بلکه حیاتی است. از منظر نیم‌رسانه‌های مدرن است که مسئله تایوان هم برای چین و هم برای آمریکا نقش حیاتی را ایفا می‌کند.

تداخل منافع امپریالیستی چه در جبهه ناتو و چه در بین کشورهای بی که در تقابل با آمریکا به نوعی همگرایی پیدا کرده‌اند، به وضوح قابل مشاهده بوده است. تداخل منافع امپریالیستی به این مفهوم است که ما شاهد دور جدیدی از تنش های امپریالیستی و هرج و مرج بیشتر در جهان خواهیم بود و بی ثباتی خود را از اروپا تا خاورمیانه، از قفقاز تا آسیای جنوب شرقی گسترش خواهد داد.

بدنبال جنگ اکثر کشورها هزینه های جنگی (بودجه دفاعی) را چنان افزایش داده‌اند که در تاریخ بی سابقه است. البته افزایش تاریخی بودجه نظامی به مفهوم حمله به سطح معیشت طبقه کارگر بوده است. طبقه کارگر بهای جنگ را با تورم سرسام آور و سقوط استاندارد زندگی پرداخت می کند، تورم نه در سرمایه داری پیرامونی بلکه در سرمایه داری متروپل ۲ رقمی شده است.

دوران جنگ امپریالیستی زمینه مساعدی برای شکوفایی و گسترش نبردهای پرولتری نیست بلکه بحران سرمایه داری، بهترین شرایط را برای رشد آگاهی طبقاتی و نبردهای پرولتری مهیا می سازد. واقعیت انکار ناپذیر این است که شرایط طبقه کارگر در مقطع وقوع جنگ اوکراین قابل مقایسه با سال ۱۹۱۴ نبود و طبقه کارگر در شرایط تدافعی تری بود. اما انترناسیونالیست ها اعلام کردند، در شرایط کنونی انقلابیون نباید منتظر حرکت طبقه باشند. شرایط جدید به مفهوم این نیست که فعالیت

انقلابیون در خلاء انجام می‌گیرد و بی‌تاثیر است. از همه مهمتر جنگ امپریالیستی لزوم برافراشتن پرچم انترناسیونالیسم را مطرح می‌سازد حتی اگر منجر به انزوای از توده‌های طبقه کارگر شود و این از آموزه‌های لنین و لوکزامبورگ است و این آموزه همچنان الهام بخش انقلابیون است.

کمونیسم چپ با صدای رسا اعلام کرد کارناوال‌های صلح و کمپین‌های ضد جنگ در کشورهای غربی و اروپایی بخشی از پروپاگانداي جنگی ناتو در راستای اهداف امپریالیستی ناتو است. از درون صلح سرمایه‌داری تنها شعله‌های جنگ می‌تواند زبانه بکشد. تنها طبقه کارگر از طریق مبارزه طبقاتی و با به چالش کشیدن سرمایه‌داری می‌تواند صلح واقعی را برای بشریت ارائه دهد.

انترناسیونالیستها در همان بیانیه مشترک اعلام کردند انترناسیونالیسم پرولتری واکنش به جنگ امپریالیستی است و پرولتاریای بین‌المللی تنها نیرویی است که قادر به توقف جنگ امپریالیستی است و طبقه کارگر جهانی به نوبه خود نمی‌تواند از توسعه مبارزه خود علیه رو به وخیم شدن دستمزدها و استانداردهای زندگی اجتناب کند.

امروز ما شاهد پیش‌بینی‌های یک سال پیش بیانیه مشترک هستیم. ما شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری گسترده طبقه کارگر در دفاع از سطح معیشت خود در سراسر این کره خاکی از اروپا تا آسیا، از آفریقا تا آمریکا هستیم، به عبارت بهتر در حال

حاضر شاهد احیای مبارزه طبقاتی در کل جهان هستیم. انترناسیونالیستها اعلام کردند طبقه کارگر ناچار است به دفاع از سطح معیشت خود برخیزد که در روند خود احتمال رویارویی با جنگ امپریالیستی را مطرح خواهد کرد.

از سر تا پای نظام توحش سرمایه داری خون، کثافت و لجن می بارد. از درون صلح سرمایه داری تنها شعله های جنگ می تواند زبانه کشد. مادامیکه سرمایه داری به عمر ننگین خود ادامه می دهد، بردگی مزدی، جنگ، پاندامی و... بخشی از زندگی روزانه ما خواهد بود. منافع ما در مبارزه طبقاتی است. به جای گوشت دم توپ شدن در جنگ گانگسترها، بجای تداوم بربریت، به جای تمکین به نظام کثیف سرمایه داری باید در راستای تحقق انقلاب کمونیستی برای پایان دادن به نکبت سرمایه داری کوشید.

زنده با جنگ طبقه علیه طبقه!

صدای انترناسیونالیستی

۷ اسفند ۱۴۰۱

یادداشت‌ها:

[۱] امانوئل مکرون

[۲] جان بولتن

[۳] پولیتیکو

[۴] ابراهیم کالین سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه

[۵] فرانسه ۲۴

[۶] منبع ۵

[۷] سیجارتو وزیر خارجه مجارستان

[۸] اعتماد آنلاین

[۹] روسیه گروه مرتبط با سپاه قدس را به باکو تحویل داد

[۱۰] اعزام ناظران اتحادیه اروپا به مرزهای ارمنستان

[۱۱] فایننشال تایمز

[۱۲] دنیای اقتصاد

[۱۳] سفارت چین

[۱۴] نسل جدید نیم رسانه‌ها حدود ۳ نانومتر هستند، مقایسه کنید با یک تار موی انسان که بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نانومتر است. هر چقدر اندازه آن کوچکتر، کیفیت آن بهتر میشود، چون میتوان تعداد بیشتری ترانزیستور در آن قرار داد.

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

<https://www.internationalistvoice.org>

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

: توییت

https://twitter.com/int_voice